گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۶۰۱۶
دوشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۱۱:۵۸

در گفتگویی با خانم رییس سادات هنرمند عرصه ی نقاشی؛

چشمانِ ما باید به هنر عادت کند

نغمه رییس سادات متولد فروردین ماه سال۷۰ در شهر شیراز، از کودکی به نقاشی علاقه داشتم و در مسابقات مدرسه شرکت میکردم، متاسفانه مدت ها از این هنر فاصله گرفتم و در دانشگاه رشته تحصیلی مهندسی پزشکی خوندم.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، به مصاحبتی با خانم رییس سادات، هنرمند عرصه ی نقاشی مصاحبه نشسته و گپ و گفتی خودمانی با وی داشتیم.

خانم رییس سادات خودتونو معرفی کنید

نغمه رییس سادات متولد فروردین ماه سال۷۰ در شهر شیراز، از کودکی به نقاشی علاقه داشتم و در مسابقات مدرسه شرکت میکردم، متاسفانه مدت ها از این هنر فاصله گرفتم و در دانشگاه رشته تحصیلی مهندسی پزشکی خوندم.

چی شد که دوباره به نقاشی روی آوردید؟

بعد از اینکه فارق التحصیل شدم و مشغول به کار، حس کردم انگار درونم راضی نیست و مدام ذهنم درگیره و خیلی صریح بگم قلم مو و بوم منو فرا میخونن، برای همین به مدت ۳ سال نقاشی کردم، البته ناگفته نماند که در سال های تحصیل هم به صورت پاره وقت کلاس های نقاشی میرفتم و فعالیت داشتم ولی اصلا جدی نبود این مسئله برام.

از تکنیک و ابزار کارتون برامون بگید:

عموما از تکنیکِ چاپِ دستی و از متریال هایی نظیر رنگ روغن ، اکرلیک ، پاستل گچی و روغنی، مداد رنگ ، آبرنگ و … استفاده میکنم، از نظر سبک هم بیشتر با اکسپرسیون نزدیکه کارهام ولی اون خشونت، کنتراست و شکستی آثار اکسپر رو نداره و شاعرانگی و نرمیِ امپرسیون در این اثار به چشم میخوره

خانم رییس سادات تا حالا سابقه ی برگزاری نمایشگاه هم داشتین؟

بله، سال ۱۳۹۸ و قبل از کرونا در گالری سو شیراز نمایشگاه گروهي داشتیم.

همون سال یه نمایشگاه دیگه داشتیم در گالري وصال که اونم گروهی بود. اون موقع هنوز بازار کرونا گرم نشده بود و خوشبختانه استقبال خوبی هم شد و بازخورد خوبی برای من داشت.

این خاطره هم براتون تعریف کنم فکر کنم جالب باشه براتون، سال ۱۴۰۰ شهریورماه، یه روز خیلی حالم گرفته بود و نمیدونستم دقیقا چرا، یه دوست خوبی دارم به نام خانم محمدی که چندین ساله با هم دوستیم، ایشون هم کار تئاتر میکنه، منو دید و متوجه شد که انگار ناراحتم، سریع گفت فکر کنم تو هم بخاطر دوران کرونا و منفعل بودنت اینجوری شدی مثل اکثر هنرمندا، شب که رفتم خونه به حرفاش فکر کردم دیدم بیجا نمیگه، من توی این دوسال و دوران قرنطینه همش تو خونه بودم و چندین اثر آماده کرده بودم و دوست داشتم این آثارو به نمایش بذارم، فرداش رفتم پیش خانم محمدی و بهش گفتم داستانو، بهش گفتم بنظرم بهتره پیج بزنم و آثارو اونجا به نمایش بذارم، خانم محمدی گفت نه، بهتره یه نمایشگاه حضوری بذاریم ولی همه ی ما میدونیم که نمایشگاه حضوری گذاشتن هم مجوز میخواست و هم محل ارائه که هیچکدومشو نداشتیم، محدودیتای کرونا هم بود، خلاصه بگم که خانم محمدی گفت همینجا یعنی همونجایی که یه دفتر داشت و کارای تئاتر و طراحی لباس و عکاسیشو میکرد، تو خونه ای قدیمی واقع در محله ی بیات شیراز نمایشگاه میذاریم و مجوز هم از اداره کل ورزش و جوانان استان فارس میگیریم، ما بالاخره یه نمایشگاه انفرادي با رعایت دستورالعملای کرونایی گذاشتیم که اونم بازخورد نسبتا خوبی داشت و چقدر هم برای بازدید کننده ها جالب بود که میمودن توی قلبِ یه محله ی قدیمی و بافت تاریخی شهر شیراز

در پایان اگه حرف دل یا حرف پایانی اگه دارید بگید:

حرف پایانی هم اینکه از شما تشکر ویژه میکنم که هوای هنرمندارو دارید و از نمایشگاه هم اومدید زحمت کشیدید و عکاسی کردید و از این فرصت استفاده کرده و میخوام از خانم زهرا محمدی تشکر ویژه ای داشته باشم بابت تمام دلگرمیا و حمایتاش، امیدوارم از این به بعد و با گذروندن دوران کرونا، هنرمندا بتونن بیش از قبل فعالیت کنن و این فضا رونق بگیره، ممنونم از شما فقط در پایان باید بگم به نظرم هرکسی توی خونه اش به حداقل یه تابلو نقاشی احتیاج داره، تا چشماش به زیباشناسی و هنر عادت کنه.